



علی اسلامی
دبیر مدراس زنجان

بوی خوش عید صدای پای تعطیلات

سلام جوان مو قشنگ!

از یکی شنیدم تو را مو قشنگ صدا می زد. «چی صدا کنم تو رو؟» نمی دانم از این به بعد می توانم «جوان مو قشنگ» صدايت کنم یا نه؟ تو رو خدا اینو از م دریغ نکن! ... خیلی خوشم می آید! ... باشه؟

در مورد تعطیلات عید پرسیده بودی. تعطیلی یک عالمه حُسن دارد:

۱. در تعطیلات، فشار و استرس برنامه های مدرسه روی تو کم می شود و می توانی تمدد اعصاب کنی. حالا همه چیز دست خودت است و می توانی برنامه ریزی شخصی بدون هماهنگ کردن با مدرسه داشته باشی.

۲. وقت نسبتاً زیادی برای جبران عقب افتادگی ها و سبک کردن برنامه های داری. تعطیلی عید را مفت از دست نده. فرصتی «طلایی» است. اصلاً بگذار چیزی بگویم: بیباگول نخوری. چیزی که باعث تفاوت در نتیجه ای آدم ها می شود، بر آیند چند دستور العمل ساده، آشنا و دم دستی است که دانش آموز موفق به آن ها عمل کرده و دانش آموز ناموفق، ساده و بی اعتنا از کنارشان گذشته است. یکی از این دستور العمل های به ظاهر ساده، استفاده ی خوب از تعطیلات است. آنها اَلمون! علیکم بالاسفاده من الهالیدی. ای آرزومندان! بر شما باد استفاده از تعطیلات. یک برنامه ی هر چند متوسط اگر عملی شود بهتر از هزار برنامه ی عالی عمل نشده یا ناقص رها شده است. برنامه را ناخنک نزن قورت بده!

هالیدی چند تا آفت هم دارد:

۱. برنامه خراب کن است! ساعت خواب و بیداری و خورد و خوراکش مشخص نیست. برای کسی مثل تو که قرار است شاخ بچه گولی مثل کنکور را بشکنی خیلی مهم است! خیلی! مبادا که خواب و بیداری سر ساعت و صبحانه، ناهار و شام به موقع را دست کم بگیری. یک کنکوری باید مثل ورزشکار حرفه ای، زندگی اش حرفه ای باشد. به هر حال، یا به اندازه ی آرزویت تلاش کن یا به اندازه ی تلاشت آرزو کن! ... چه جمله ی توپی! حال می کنی تو رو خدا؟! ... البته از خودم نبود.

۲. موانع غیر منتظره و پیش بینی نشده ای ممکن است روال برنامه را به هم بریزد مثل دید و بازدیدهای خاله، داماد خاله، همسایه دیوار به دیوار خاله و خیلی از کسان دور خاله که از فامیل های درجه ی یک پدری، درجه یک ترند و احترام شان واجب تر! می شود از این آفت هم جلوگیری کرد به این صورت که به خودت تکلیف نکنی حتما در ستاد استقبالی که به مناسبت تشریف فرمایی خاله جان تشکیل می شود عضویت داشته باشی. می شود ددی و مامی از طرف تو برنامه های ت را برای خاله و هیات همراه توضیح بدهند تا انتظار رویت تو را نداشته باشد، یا می شود کوتاه مثل زیر نویس تلویزیون وطنی از جلوی خاله رژه بروی تا سیر، قد و بالایت را ببینند و تو هم ابراز ارادت صمیمانه را به جا بیاوری.

۳. خوش گذرانی های دیگر اعضای خانواده به هنگام مطالعه ی جوان شایسته های مثل تو از دیگر آفت های این ایام است و تحمل این تفریحات سالم در حکم شکنجه است. سخت تر از شکنجه های الکاتراس، ابوغریب و گوانتانامو. پدر آمرزیده ها درست وقتی که تو نیاز به همدلی و مراعات داری یک گونی آجیل زیر دست شان می گذارند و روی میل لم می دهند و به آجیل حمله کرده و بگو بخندی راه می اندازند که نگو. انگار که جلوی چشم کسی که سه شبانه روز متوالی تشنگی و گرسنگی کشیده، بره ی بریان بخورند و شربت زعفران بدهند بالا! آهای پدر! آهای مادر! و آهای بقیه با شمام! بعله با شما، روی تان را برنگردانید! انصاف هم خوب چیزی است! فقط خودتان را به این راضی نکنید که اتافی ساکت به طفلک کنکوری داده اید پس می توانید یک لشکر دعوت کنید و صدای خنده تان تاده خانه آن سوتر موجب آلودگی صوتی شود.